

همراه با کارآگاه شکمو

امیرعلی رضایی

نوجوان
کتابخوان



من کتاب زیاد می‌خوانم ولی تا از کتابی خیلی خیلی خوشم نیاد، نمی‌خوانم. یک روز رفته بودم کتابخانه مرکزی پارک شهر، خانم کتابدار درباره کتابی به نام کارآگاه سیتو صحبت می‌کرد و می‌گفت این کتاب چندین جلد دارد ولی به خاطر علاقه زیاد بچه‌های کتابخانه به آن، زود امانت داده می‌شود.



با راهنمایی، خانم کتابدار و به زحمت یک جلد از کارآگاه سیتو را پیدا کردم. کتاب سرگرم‌کننده و جالبی است، مخصوصاً برای بچه‌هایی که داستان‌های کارآگاهی را دوست

دارند. مجموعه کتاب‌های کارآگاه سیتو مناسب گروه سنی ۸ تا ۱۲ سال است و این یعنی داستان‌ها قتل، کشتار و... نیست.

در قصه‌های کارآگاه یک بار کلاه‌گیس یکی گم می‌شود و دفعه بعد کاپ قهرمانی جام جهانی فوتبال یا این که مشکلی در کارخانه چترسازی است که کارآگاه سیتو همه این مشکلات را به همراه دستیار همه‌فن‌حریف چینی خود چین می‌آید و حل می‌کند.



نویسنده کتاب آنتونیو ایتوریو است. هر بار ماجرای داستان در یک کشور اتفاق می‌افتد و کارآگاه شکمو، شما را با غذاهای مخصوص آن کشور هم آشنا

می‌کند. کتاب با تصاویر رنگی و جالب خودش برای ما بچه‌ها خواندن تر شده است. در آخر هر کتاب این سؤال از خواننده پرسیده می‌شود که اگر شما هم دوست دارید یک کارآگاه بشوید، برای تمرین مثلاً در این جلد ۱۰ توپ تنیس را در تصاویر کتاب پیدا کنید. من فکر می‌کنم برای کارآگاه شدن اول باید یاد بگیریم خوب و با دقت ببینیم.

نگاهی به کتاب «آخرین روز جنگ» از انتشارات شهید کاظمی

یک نان به بهای جان

الهام رضایی

مروزی نویسنده



هر وقت جنگ در گوشه‌ای از دنیا شروع شود، بیشتر از مردانی که اسلحه به دست گرفته و به دفاع می‌روند، زنانی با چشم‌انتظاری شوهر و فرزند و برادر، آخرین روز جنگ را آرزو می‌کنند.

کتاب «آخرین روز جنگ» نوشته رقیه کریمی، روایتی زنانه از قلب جنگ ۳۳ روزه رژیم صهیونیستی و حزب... لبنان است. همان‌طور که نویسنده در مقدمه به آن اشاره کرده است: «این اثر روایتی مردانه از قهرمان‌های میدان نبرد نیست. این کتاب روایتی زنانه از مقاومتی جانانه است. تلاشی مادرانه برای زندگی و بیرون راندن دشمن از خانه.»

برای پیروز شدن بر دشمن غاصب، تنها مرد میدان نبرد کافی نیست، خانه‌ها هم مرد می‌خواهد. در هر خانه باید زنی باشد که مردانه با تمام دل‌واپسی و دلتنگی تاب آورد و در بدترین شرایط و گاه با کمترین امکانات غذا بپزد و همبازی کودکانش شود.

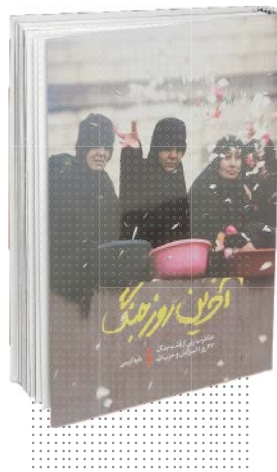
مادرانی که باید با تمام اضطراب و ترس خودشان، آرام‌بخش فرزندان‌شان باشند. مادری کردن در شرایط جنگ تنها و تنها با یاری خداوند برای یک زن میسر می‌شود.

کتاب آخرین روز جنگ، خاطرات زنی است که شوهرش رزمنده است. یک رزمنده باید در میدان جنگ بماند، پس او مثل اکثر مردم روستای‌شان نمی‌توانست بار و بندیل جمع کند و دست زن و بچه را بگیرد و از جنگ دور شود.

راوی کتاب دو فرزند دختر دارد که یکی بسیار کوچک است و دیگری مریض. خود زن هم در آخرین ماه‌های بارداری به سر می‌برد. زن با نبود شوهرش و با داشتن این شرایط، بیرون رفتن از خانه یعنی فرار کردن از جنگ را امکان‌پذیر نمی‌داند، پس تصمیم می‌گیرد در خانه‌اش بماند.

کتاب با نثری روان، جزئیات زندگی در جنگ را به تصویر می‌کشد. در جنگ مرز بین مرگ و زندگی یک ثانیه است... بین پدر داشتن و یتیمی... بین زیر سقف خانه بودن یا زیر آوار گرفتار شدن و... نقل از کتاب «وسط جنگ که باشی فرق بین خنده و گریه سخت می‌شود. گاهی از ته دل می‌خندی و می‌دانی هر لحظه ممکن است خانه ویران شود روی سرت.»

جنگ شرایط معمول زندگی را زیر و رو می‌کند. شما



شایع‌ترین اتفاق

برای کانون جنگ

و مبارزه قطع برق

است و این

یعنی شما بدون

اینترنت و گوشی

و تلویزیون از

جنگ بی خبرید

ولی اخبار جنگی

که شما در آن

حضور دارید

به سراسر دنیا

مخابره می‌شود

و روزنامه و

تلویزیون و

شبکه‌های

ماهواره‌ای صداها

تیتیر خبری برایش

درست می‌کنند



در شرایط عادی برای تهیه دارو به داروخانه می‌روید و دارو می‌خرید ولی در زمان جنگ، در روستایی که اکثریت مردم خانه‌های‌شان را خالی کرده و رفته‌اند هرگونه تردد در خیابان یعنی شما به بهانه نظامی و مسلح بودن مورد هدف دشمن قرار می‌گیرید، پس عبورتان باید محتاطانه، از کوچه‌های امن و فرعی باشد. اگر داروخانه‌ها بمباران نشده یا بسته نباشد بعد از چند ساعتی گشتن با ترس و دلهره شاید بتوانید دارو تهیه کنید.

شما در شرایط عادی برای تهیه نان باید به نانواپی بروید ولی در جنگ باید خودتان نان بپزید. اگر مهارت نان پختن و امکاناتش را داشته باشید باز هم کار خطرناکی است. راوی کتاب به همراه مادرشوهرش با وجود دشمنی که فاصله زیادی از آنها داشت، تصمیم گرفت نان بپزد. نان پختن در جنگ یعنی خودکشی چون به محض بالا رفتن دود تنور، هدف تیر و ترکش دشمن می‌شوند. در نهایت اگر برای چند ثانیه دیرتر اتاق تنور را ترک نمی‌کردند سقف اتاق روی سرشان خراب شده بود. در جنگ شاید یک نان به بهای یک جان تمام شود.

شایع‌ترین اتفاق برای کانون جنگ و مبارزه قطع برق است و این یعنی شما بدون اینترنت و گوشی و تلویزیون از جنگ بی‌خبرید ولی اخبار جنگی که شما در آن حضور دارید به سراسر دنیا مخابره می‌شود و روزنامه و تلویزیون و شبکه‌های ماهواره‌ای صدها تیتیر خبری برایش درست می‌کنند. شما حتی فاصله دشمن را تا خانه‌تان هم نمی‌دانید و از عزیزان‌تان اطلاعی ندارید. تمام این مشکلات مصائبی است که راوی کتاب به آن دچار می‌شود. با تحمل این همه سختی تازه می‌فهمد قابله روستا که تنها امیدش بود هم از روستا رفته است. جنگ جز ویرانی خانه‌ها و کشتار مردم نیست ولی شاید تنها خوبی‌اش این باشد که انسان‌ها را قوی‌تر می‌کند و سختی‌های زندگی را در مقابل توان انسان کوچک نشان می‌دهد. نقل از کتاب: «بعد می‌بینی آن قدر قوی شده‌ای که خودت هم باورت نمی‌شود. باید ادامه دهی نه به خاطر خودت، به خاطر دیگران.» شخصیت شوهر زن و اعتقاد مادرشوهرش به وجود خدا، شاید چکیده این کتاب باشد. هر جا اوضاع سخت می‌شد، هرگاه نگرانی جدیدی به دل و جان راوی می‌افتد، دوباره این جمله تکراری شنیده می‌شود، نترس خدا خودش درست می‌کند، کاش در کتاب آیه می‌آمد، تنها یاد خداست که به قلب‌ها آرامش می‌دهد.

برگ سبز خودرو سایپا ۱۳۱ مدل ۹۲ رنگ سفید
شماره انتظامی ۸۳۱ ج ۶۵ ایران ۵۶ شماره موتور
4853199 شماره شاسی NAS411100D4910159
به نام لیلا اصغری چمندانی مفقود گردیده و فاقد
اعتبار است.

سند کمپانی و برگ سبز خودرو پراید سفید مدل
۹۲ شماره انتظامی ایران ۵۶-۱۳۲ ۶۱ شماره موتور
4929616 شماره شاسی NAS421100D1342313
به نام عباس فلاح گنج جو مفقود گردیده
و فاقد اعتبار است.

کارت خودرو اتوبوس بیابانی اسکانیا مارال ۴۲۱۲
مدل ۱۳۹۴ به رنگ سفید روغنی شماره انتظامی
ایران ۴۴-۷۲۲ ع ۷۴ شماره موتور 6871567 شماره
شاسی NC0CB1385F1894171 به مالکیت شرکت حمل
و نقل داخلی و بین‌المللی جوان سیر اینار مفقود گردیده
فاقد اعتبار است.

آگهی مفقودی
بدینوسیله اصل دفترچه و قرارداد شماره
۱۰۹۲ مجتمع مسکونی آتی شهر متعلق
به زهرا صنیعی مفقود گردیده و از درجه
اعتبار ساقط می‌باشد.

سند شناسنامه مالکیت (برگ سبز) خودرو کوئیک
رنگ سفید مدل ۱۴۰۱ شماره انتظامی ایران ۴۶-۹۹۱ و ۴۲
شماره موتور M15/9605336 شماره شاسی
NAS841100N1128000 به نام فریبا مقدم‌الله کانی
مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سازمان آگهی‌ها روزنامه جام جم
۰۵۰۰۰۰۰۰۰
daneshpayam.agahi@gmail.com